

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

مؤمنین بدانند که وقتی امر الهی بر مسأله‌ای قرار گرفت، آن دیگر بحث و جدل ندارد و باید آن را اجرا کرد و بعد هم اینکه مسلمین و مؤمنین باید در مقابل امر الهی سکوت کنند ولی نظریات خودشان را همیشه به گوش پیغمبر (و ائمه) برسانند و منتظر امر و دستور باشند. مؤمنین نباید از پیغمبر انتظار داشته باشند که به حرف آنها گوش ندهد و بگوید هر چه من می‌گویم همان است. نه! دیدیم که پیغمبر هم در منظم کردن صف لشکریان حرف آن دو نفری که نظر دیگری را داشتند و شنید، تصدیق هم کرد و امثال اینها فراوان است.

البته این به واسطه‌ی آن رشته‌ی الهی و ارتباط الهی است که خداوند در میان خلق برقرار کرده است. البته رشته‌ی الهی که می‌گوییم، نباید تصوّر کنیم که رشته طنابی است که واقعاً دیده می‌شود، نه! طنابی است که اگر بخواهید نجات پیدا کنید هر جا بروید، باید آن را محکم بگیرید. چون اینطوری است، آن را به طناب تشبیه کرده‌اند و این طناب در نسل بشر هست. منتها بشر، نژاد انسان و جامعه‌ی بشریت تغییراتی پیدا می‌کند، تکامل پیدا می‌کند، مثل هر چیزی. این تکامل را خداوند مقرر کرده که بر عهده‌ی عقل مؤمنین باشد.

کما اینکه در روابط و وظایفی که خدا برای پیغمبر معین فرموده است یکی این است که چون بعضی از مسلمین، آنهایی که جزء منافقین بودند یا بعد کافر شدند یا کافران، اینها هم حرفی که می‌گفتند که ممکن بود مثلاً قبول نشود و گوش ندهند. می‌فرماید حرف اینها را هم بشنو، حتی با آنها مشورت کن. در آیه قرآن می‌گوید: **وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ** (آل عمران، ۱۵۹) با آنها مشورت کن. ولی برای اینکه شاید تعجب خود پیغمبر و تعجب ما مسلمین پیدا نشود، می‌فرماید مشورت که کردی خودت تصمیم بگیر. وقتی تصمیم گرفتی، آن تصمیم را ما مقرر می‌کنیم. بنابراین تصمیمی که در این مورد پیغمبر می‌گیرد، امر الهی است و پیغمبر هم غیر از امر الهی کاری نمی‌کند.

کما اینکه در آن قضیه‌ی حکم لعان که یکی از مسلمین خطایی کرد، پیغمبر فرمود طبق حکم قبلی باید به او تازیانه بزنند. همه‌ی مسلمین جمع شدند و خواهش کردند که این دفعه او را ببخشید، برای اینکه این شخص از رجال مکه است، از رجال عرب است و تازه مسلمان شده، بخواهید تازیانه بزنید، ضرر به اسلام می‌خورد. پیغمبر اصرارهای آنها را قبول نکردند و فرمودند حکم الهی باید اجرا

بشود. حرف شما درست، ولی حکم الهی باید اجرا بشود. که در ضمن اینکه می‌خواستند حکم را اجرا کنند، وحی آمد و حکم تغییر کرد.

در هر لحظه حکمی که خداوند فرموده است، باید اجرا بشود. ولی تصمیم نهایی با پیغمبر است. فرموده است **وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ** (آل عمران، ۱۵۹) مشورت را بکن ولی خودت تصمیم بگیر، تصمیمات پیغمبر برای ما قانون می‌شود. در زمان خود پیغمبر مردم، مسلمین هیچ مشکلی نداشتند. هر چه بود می‌پرسیدند، پیغمبر هم هر چه می‌فرمود همان حکم الهی بود. این احکام الهی جمع شد.

بعد از پیغمبر و در دوران ائمه‌ی معصومین، چون آنها بهتر از نیت پیغمبر و حکم خدا خبر دارند، در تفسیر حکم خدا هر چه بفرمایند همان است.

ولی بعدش چه؟ برای اینکه بعد از پیغمبر تکلیف مؤمنین را خدا باید تعیین کند. به کفار و سایرین کاری ندارد، آنها هم باید در داخل ایمان بیایند. می‌فرماید در این دوران **أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ** (شوری، ۳۸). به پیغمبر فرمود که مشورت بکن و سپس تصمیم بگیر و آن تصمیم برای ما حجت و قانون است؛ ولی به ما مسلمین فرموده است با هم مشورت کنید و **أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ**؛ کارهایتان با مشورت بین خودتان انجام می‌شود. این از صفات مؤمنین است.

اما اینها همه برای اداره‌ی جامعه و ظواهر امر است. آن معنا را، یعنی همان طنابی که خداوند آفریده، اقتضای دیگری دارد. تمام احکام و دستوراتی که خدا داده، برای این است که آنهايي که به این طناب وصل شده‌اند و طناب را گرفته‌اند، نیرو پیدا کنند و طناب را محکم‌تر بگیرند. این است که مبنای تقسیم‌بندی شریعت و طریقت، نه اینکه دو دین جدا باشد، بلکه دو جنبه و دو معنا از یک دین است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه ۱۳۹۰/۲/۲۹)



خداوند مظهر دو صفت عظمت و (در عین عظمت) آرامش را در دریا جمع کرده. می‌گویند ماهی‌ای در دریا بود. از رفیق‌هایش شنید که گفتند آب چیز خیلی مهمی است. گفت پس این آب کجاست که من بروم ببینم؟ دریا شفاف و آرام است. ولی دست که بزنی، حتی یک انگشت کوچک هم بزنی، همه‌ی دریا خبر می‌شوند؛ مانند موج داخل حوض که دیده‌اید، انگشت بزنی همه از هم خبر می‌شوند. عکس‌العمل دریا چیست؟ اگر یک چیزی در دریا بیندازید یا انگشت بزنی، خالق ماهی و خالق آب و خالق دریا و خالق همان کسی که انگشت زده، به ماهی‌های دریا می‌گوید بروید. بچه که بودیم در حوض منزل مان (مثل حوض همین بیرونی بیدخت)، یک تکه نان می‌انداختیم، همه‌ی ماهی‌ها جمع می‌شدند نان را بگیرند. این هم خاصیت آن ماهی است. دریا جلوی آن ماهی‌ها را

نمی‌گیرد، تنظیمشان هم می‌کند. می‌گذارد که غذا به سلامتی به آنها برسد. ولی وقتی غضبش باشد، می‌شود سونامی. حالا ما اسمش را سونامی می‌گذاریم. برای اینکه همه در تلویزیون و... دیدیم و شنیدیم. خداوند اسمش را طوفان نوح گذاشته. البته خداوند هم بنا به تورات، قسم خورد که دیگر با آب اینطوری همه را غرق نکند. بله غرق نمی‌کند. اما یک سونامی می‌آید، که موجب می‌شود در ژاپن تاکنون در حدود بیست هزار نفر از بین بروند. یعنی صد برابر آنچه که زمان نوح، خداوند از بین برد. آن کسی که با آب بازی می‌کند، اگر متوجه نباشد یک مرتبه سونامی می‌آید و او را می‌گیرد.

پشه که روی دستتان می‌نشیند، آن را می‌زنید، از بین می‌رود، تمام می‌شود. البته خداوند به او هم زرنگی داده که بتواند فرار کند. ولی شما اگر به‌موقع بجنبید، او را از بین می‌برید. حالا قدرت ظاهری شما بیشتر است یا نمرود فرعون؟ چون پشه‌ها نمرود را شکست دادند. البته شاید هم خدا می‌خواست به نمرود بگوید که اینقدر خودت را نگیر. اینقدر برای خودت قدرت خیال نکن. من پشه را می‌فرستم تا تو را از بین ببرد. داستانش را هم می‌دانید. که آن شعر «پشه چو پُر شد بزند فیل را»، اشاره دارد به قشون نمرود که فیل داشتند، فیل سوار بودند، پشه آنها را شکست داد. حال دیگر ما چه کار داریم که بررسی کنیم که آیا نیروی پشه چقدر است؟ اینها محتاج به بررسی نیست.

بنابراین کسی که دریا را می‌خواهد به‌هم بزند، شاید از عواقبش خبر ندارد. به‌هرجهت آرامشی که ما داریم و باید همیشه هم داشته باشیم، همان آرامش دریاست. باید با آرامش برخورد کرد. اصلاً شاید تمام جهان، این روشی که ما از آرامش و صلح می‌گوییم (به‌قولی متصوِّفه می‌گویند) خیلی‌ها به اسم‌های دیگر می‌گویند. خیلی‌ها هم نمی‌گویند، ولی ممکن است در عمل با آن موافق باشند یا تظاهر کنند. ولی به‌هرجهت همه‌ی انسان‌ها بطور فطری می‌خواهند که آرام باشند.

هر حکومت و دولتی هم از انسان‌ها تشکیل شده. حالا به هر صورتی، به‌صورت استبدادی، دموکراسی، قبیله‌ای، به هر صورتی باشد، آنها هم یک انسان هستند. همین حالتی که انسان دارد اگر در یک جای دیگر برود، عوض می‌شود. آن حیثیت انسانیت او عوض می‌شود. حالا دیگر چه برسد به اینکه بخواهد به عکس آرامش‌طلبی‌ای که در نهاد انسان هست، بشود. آرامش‌طلبی غیر از سکون است. سکون خوب نیست. انسان باید تحرک داشته باشد. منتها تحرک این نیست که انسان دیگری را بکشد، جنگ کند و شلوغ بازی در بیاورد. آنهایی که می‌خواهند در هر جامعه‌ای یا در هر محیطی که هستند، شلوغی به راه بیندازند آنها قطعاً مهم‌ترین جا و ضمناً حساس‌ترین جا برایشان اعتقادات درویشی و عرفان است. همه‌اش به این وَر می‌روند. البته آن فرمایش علی علیه السلام که «نگاه کن که حرف چیست، نگاه نکن که چه کسی این را گفته» این درست است ولی گاهی برای اینکه معنیش را

بفهمیم باید ببینیم چه کسی گفته؟ که اگر دشمن است، به او گوش ندهیم.

حذر کن ز آنچه دشمن گوید آن کن که بر زانو زنی دست تعابن  
خود اسلام هم از اوّل که آمده روی مهربانی و محبت و همبستگی بوده. آیهی قرآن خطاب به پیغمبر می‌فرماید که: **فَمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِقُوا مِنْ حَوْلِكَ** (آل عمران، ۱۵۹)، این ظاهراً دستورالعملی برای پیغمبر هست، ولی در معنا برای ما، برای اینکه پیغمبر در مقابل امر خدا اراده‌ی دیگری نداشت، هر چه می‌کرد کار خدا بود، این است که متأسفانه وضعیت طوری شده که ما صبح‌ها که صبحانه می‌خوریم، اگر مثلاً حلیم می‌خوریم که با شکر است، شیرین است. حلوا آمده هم که می‌خوریم صبحانه‌مان با شکر است و شیرین است. حالا اگر صبح‌ها، جلوی شما اوّل که سر کار می‌روید، هندوانه ابوجهل که هم تلخ است هم مسموم، بگذارند، امروز را رد می‌کنید، فردا می‌بینید که یک دسته زنبور آورده‌اند تو را بگزند، در را باز می‌کنی و لشان می‌کنی بروند پی کارشان. هر روز از این قبیل شده است. حالا این هم مشمول آن خصلت پیغمبر می‌شود که **فَمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ.**

\*\*\*

شرح این هجران و این ظلم بشر این زمان بگذار تا وقت دگر  
که این وقت دگر ان شاءالله زمانی است که حضرت ظاهر بشوند. اگر بر قلبمان هم ظاهر بشوند، به حضرت متّصلیم و جزء قشون حضرت هستیم ان شاءالله. بیعتی که می‌کنیم، بیعت است با امامی که خداوند برای رهبری مردم تعیین کرده و آن امام زمان است. به هرجهت ما پشتمان به امام زمان بسته است، سفت است. طبق مثل مشهور پشتمان به کوه ابو قُبَیس است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ۱۳۹۰/۲/۳۱ جلسه برادران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علی‌شاه) شامل جزوات گفتارهای عرفانی (بیانات جلسات صبح) / شرح رساله شریفه پندصالح (تلفیق دو دوره آغاز شده در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۶ / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام) (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (استحاره، خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده، حقوق مالی و عشیره، رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات) / مکاتیب عرفانی (مجموعه پانچ به نامها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه مصاحبه‌ها، عرفان در کار اداری، سلوک عرفانی در دوره مدرن) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت [WWW.JOZVEHI21.COM](http://WWW.JOZVEHI21.COM) اقدام فرماید.